

Skrevet av: Adelheid Marie Bwire

Illustrert av: Melany Pieterse

Oversatt av: Marzieh Mohammadian Haghighi

Denne fortellingen kommer fra African Storybook (africanstorybook.org) og er videreformidlet av Barnebøker for Norge (barnebok.no), som tilbyr barnebøker på mange språk som snakkes i Norge.

Dette verket er lisensiert under en Creative Commons

[Navngivelse 3.0 Internasjonal Lisens.](https://creativecommons.org/licenses/by/3.0/deed.no)

<https://creativecommons.org/licenses/by/3.0/deed.no>

✎ Adelheid Marie Bwire

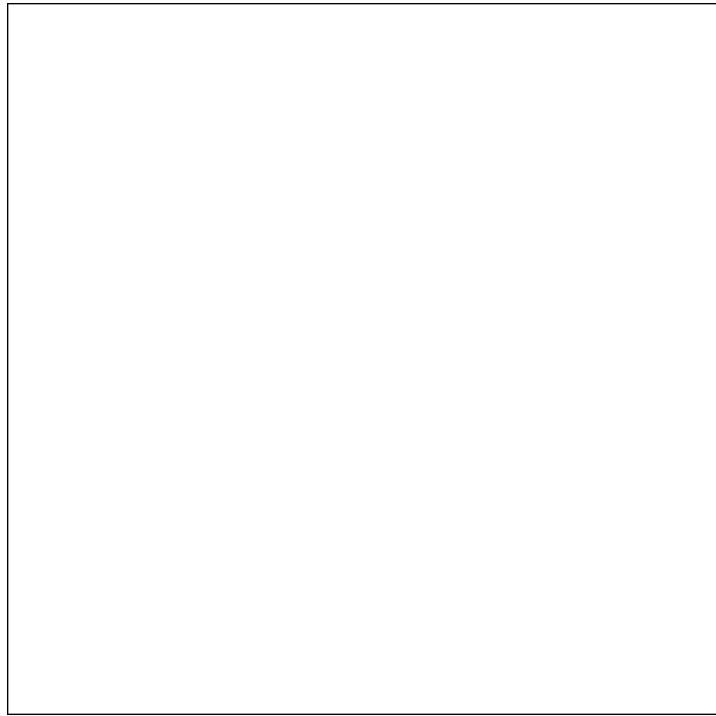
👤 Melany Pieterse

📖 Marzieh Mohammadian Haghighi

😊 persisk

📖 nivå 2

(uten bilder)

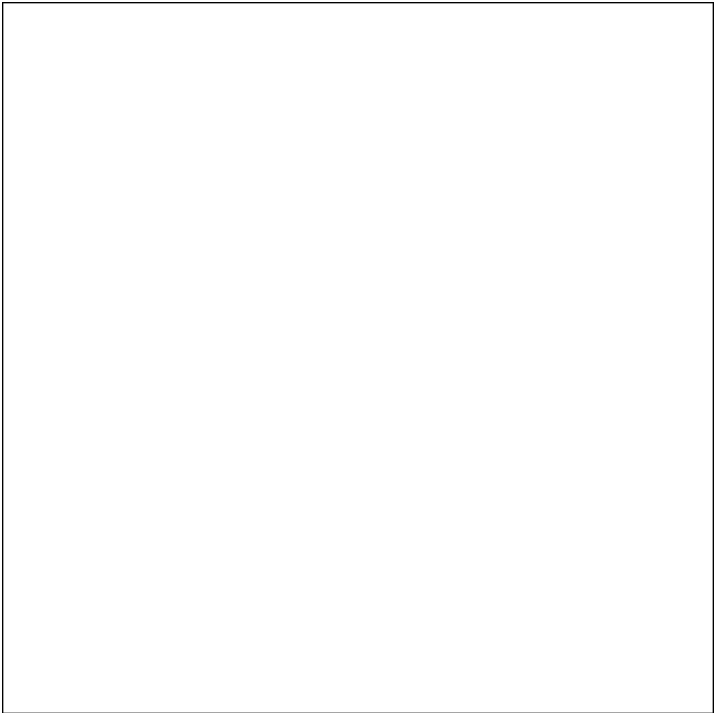


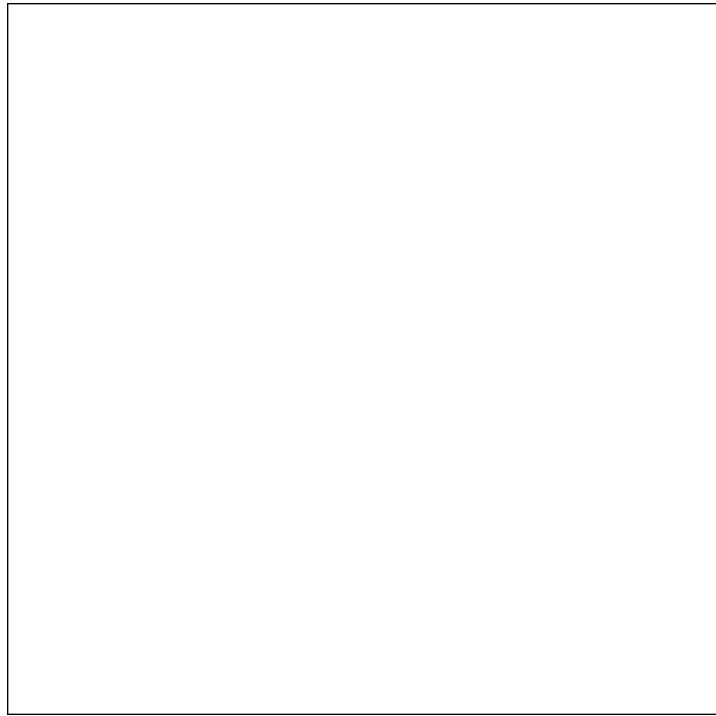
یک روز مادرم مقدار زیادی میوه خرید.

جورج:

لہذا جو ہوتے ہیں ہمیشہ: "آپ کا جواب خیر ہے، لیکن"

"نہیں، جو ہوتے ہیں ہمیشہ: "آپ کا جواب خیر ہے، لیکن"



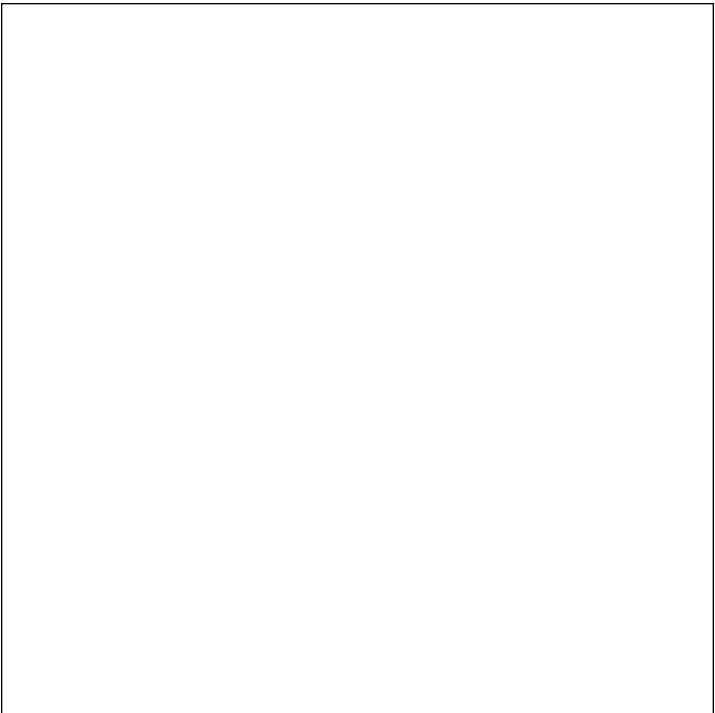


بِرَادَرَم رَحِيم پُرْخُورِ اَسْت. او اَز هَمِه ي مِيوِه ها
چَشِيد. وَ مِقْدَارِ زِيَادِي اَز مِيوِه ها را خُورِد.

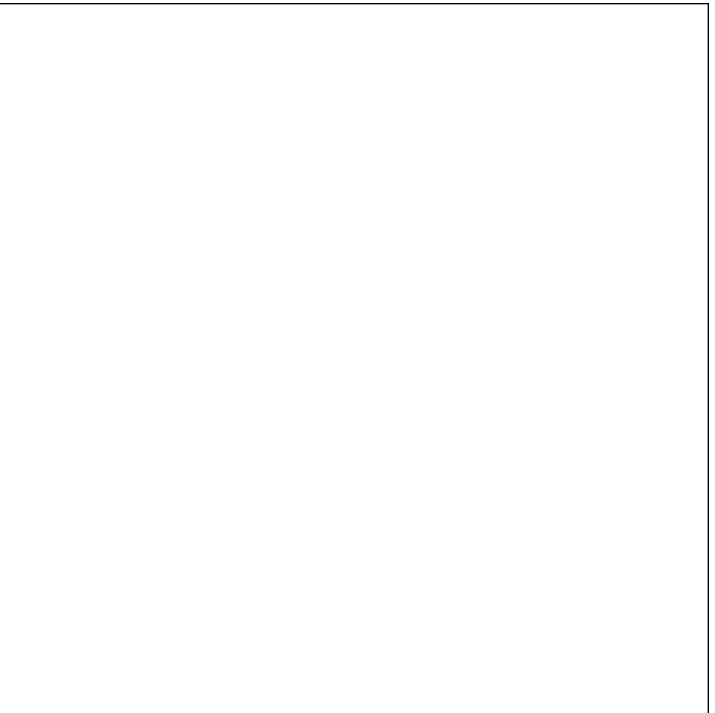


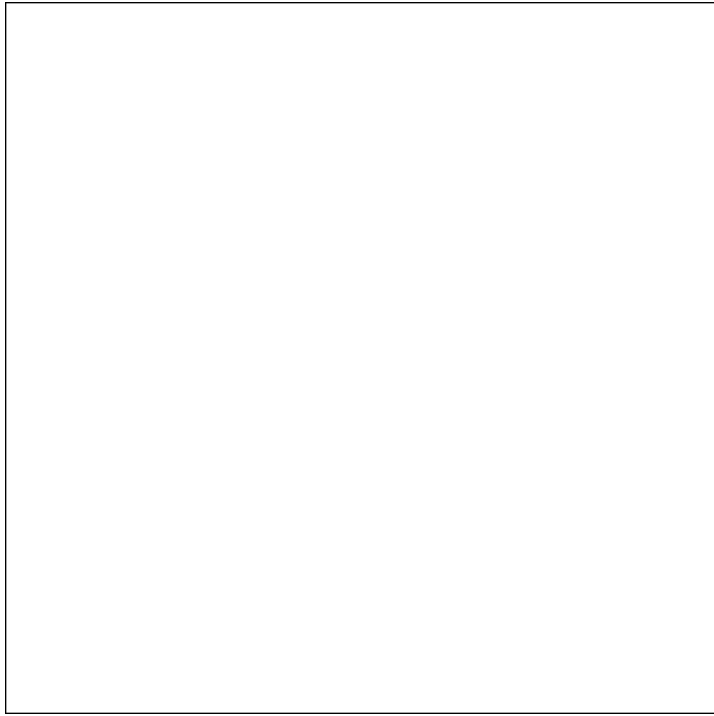
دَر اَخرِ رَحِيم اَز ما عُذْر خَوَاهِي كَرْد. وَ اَيْن قَوْل را
داد: "مَنْ دِيْگَر هِيچْوَقْت اَيْنْقَدْر پُرْخُورِي نَخَوَاهَم
كَرْد." وَ ما هَم حَرْفَش را باوَر كَرْدِيم.

همه افراد افتاد. متوجه
اما در می دانست که این اتفاق خواهد افتاد.
ها رحیم را تهنیت کردند

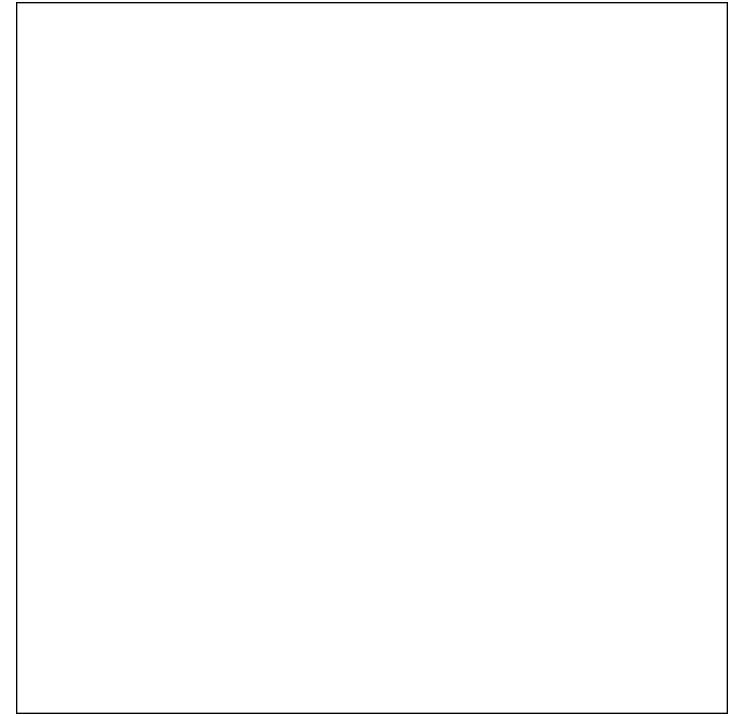


برادر کوچکم فریاد زد: "ببینید رحیم چه کاری
کرده! من هم گفته‌ام رحیم سرکش و خودخواه
است."



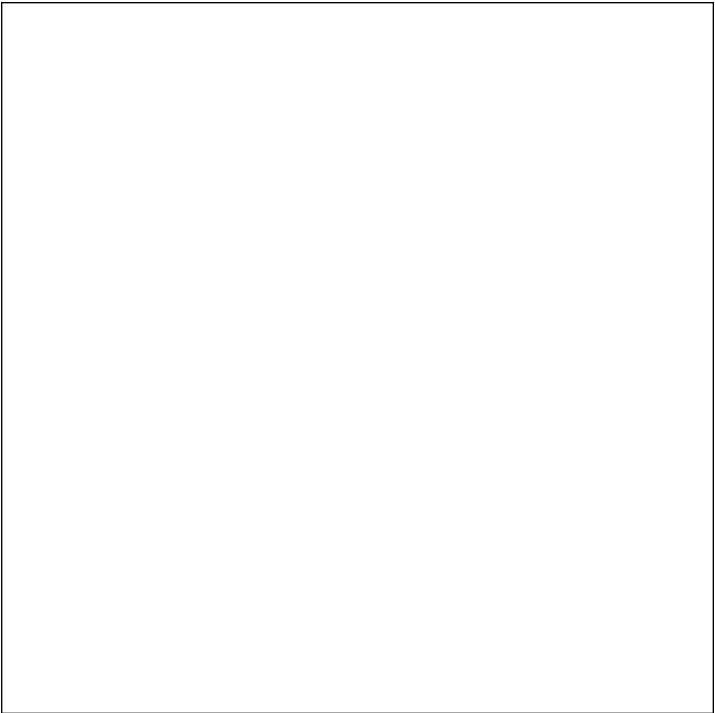


مادر از دستِ رحيم عصبانی شد.



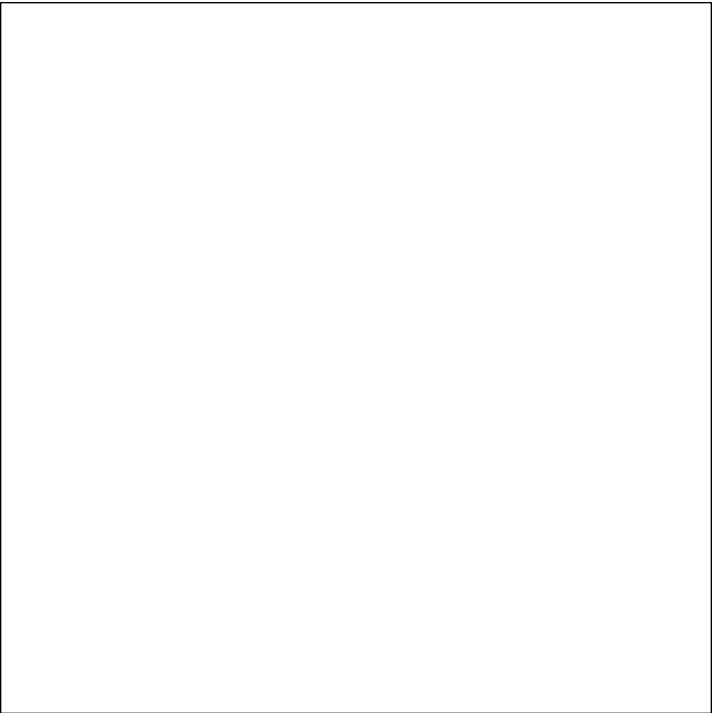
رحيم آرام زمزمه می کرد. "شکفم خیلی پیچ
می خورد."

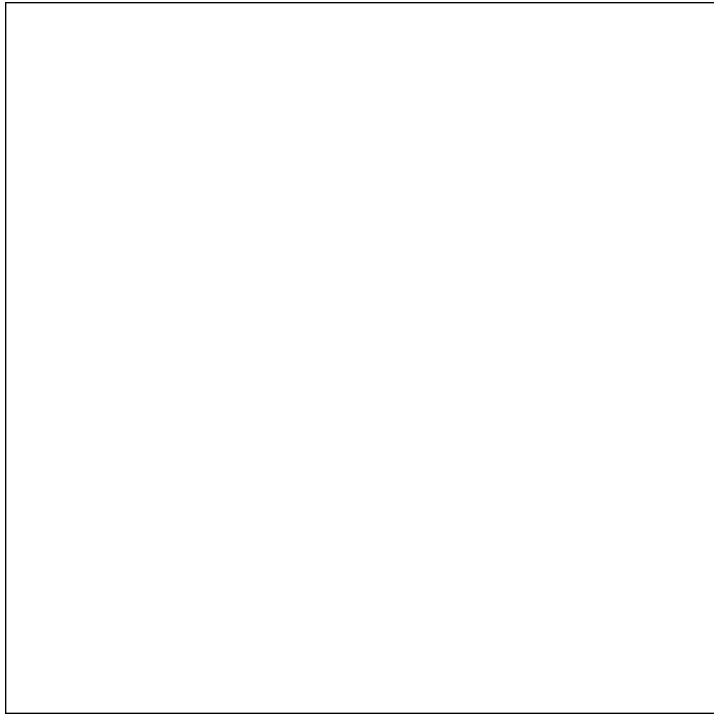
رحیم داشت احساسِ مریضی می‌کرد.



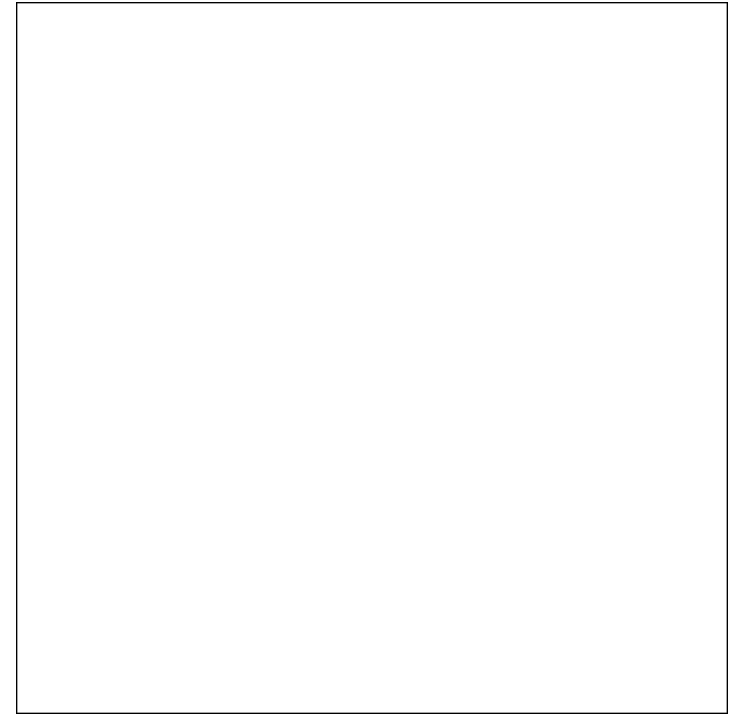
میتا سرفه نشد.

ما هم از دستش عصبانی شدیم. ولی رحیم اصلاً





برادرِ کوچکِ پُرسید: "نمی خواهی رَحیم را تَنبیه
کنی؟"



مادرِ به رَحیم تَذکُر داد، "به زودی از این کارَت
پَشیمان خواهی شد."